

1 عنکبوت از چه چیزی خنده‌اش گرفته بود؟  
 2 آیا ملخ و عنکبوت با هم دوست بودند؟ از کدام قسمت داستان فهمیدی؟

1- او با دیدن ملخ که روی زمین پهن شده بود، حسابی خنده‌اش گرفت.

2- بله  
 از این قسمت داستان فهمیدم: عنکبوت خودش را جمع‌وجور کرد و گفت: «نه دوست من، از من فاراحت نشو! من تو را مسخره می‌کنم. اصلاً به من بگو ببینم چه کسی اینجا را لیز کرده است تا خودم حسابش را بروم؟»

1 خانه‌ی حلزون کجاست؟

2 هدف نویسنده از عبارت «ما باید جلوی پامان را خوب نگاه کنیم تا زمین نخوریم و کسی را هم سرزنش نکنیم.» چیست؟



3- صدف پشت حلزون

4- تفاوت نکردن: ملخ و عنکبوت در ابتدا بدون اینکه دلیل زمین خوردن حلزون را بدانند، او را مسخره می‌کنند. اما بعد از اینکه متوجه می‌شوند حلزون چطور حرکت می‌کند، از رفتار خود پشیمان می‌شوند. نویسنده با این داستان به خواننده یاد آوری می‌کند که قبل از تفاوت کردن دیگران، باید شرایط آنها را درک کنیم.

1 چرا ملخ و عنکبوت گریه کردند؟

2 جمله‌های زیر را به ترتیبی که در متن آمده، شماره‌گذاری کن.

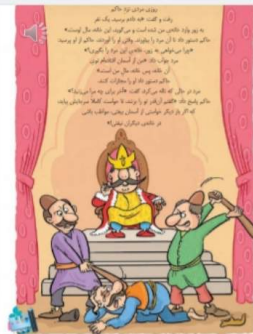
1 خروس غلابی نوک زنان به طرف آن‌ها آمد.

2 حلزون فریاد زد: «من زنده و سلامت هستم.»

3 ملخ و عنکبوت پشت یک بوته پنهان شدند.

4 حلزون گفت: «من خودم را به شکل صدفم در می‌آورم و راحت توی آن جا می‌شوم.»

5- در داستان، ملخ و عنکبوت زمانی که خروس به حلزون نوک زد و حلزون ناپدید شد، گریه کردند. دلیل گریه آنها ترس و نگرانی برای حلزون بود. آنها فکر می‌کردند که خروس حلزون را کشته است.



حکایت  
افقاندن از آسمان

پیش‌نمایش



خرد بر کرگزار کجا باد  
 کشته‌گره چشم من برکتاب  
 در سر من جزای دس فدا  
 در دل من جنت است



ای خدای مهربان! تو ما سیاسی می‌جویی که بر ما کتاب قرآن  
 ما دادی، تا با راه‌های حای آن. باوینتر نشکلی گرس و خوش‌عق  
 ما مشتاقیم.  
 ای خدای خوب و مهربان! تو ما سیاسی می‌جویی که سنی دانا و  
 مهربان و دوستی خوب و سخی بر من دادی.  
 خطای من من گلب کن تا دهانی مستقیمه داشت با من، پیشتر  
 دس نکوانم و پیشترش کن تا در کنده. بر مردم خوب کشورم و به  
 حسی مردم‌جان خدمت کنم. برای این حد غمت و بخشش. تو  
 ما سیاسی می‌جویی.

کارد در منزل

هر کلمه راه کلمه مربوط به خودش وصل کن.

دامن	مردانه
رفزار	مردانه
کفش	مردانه
برای کلمات زیر یک هم خانواده بنویس.	
وسیع:	
اشتیاقی:	
مشغول:	

